

زندگی روی دور تکرار



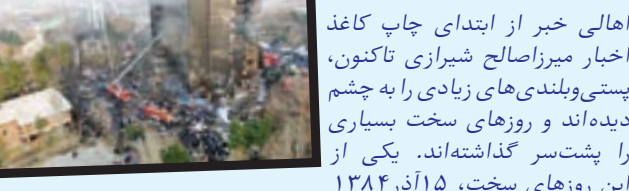
شیماسیدی
روزنامه‌نگار

درست وقتی فکر می‌کنیم زندگی‌مان روی دور تکرار افتاده است و هر سال عید، تابستان، پاییز و زمستان از پس هم می‌آیند و بدون اینکه برگ جدیدی در زندگی ما رو کنند، می‌روند، قضا و قدر، «کرونا» را توی کاسه‌مان می‌گذارند و کار به جایی می‌رسد که دلمان برای یک لحظه تکرار شدن همان تکراری‌ها غنج می‌رود. آرزو می‌کنیم یک‌بار دیگر بدون استرس با دوستان و خانواده خود زیر یک سقف جمع شویم. مرزهای استانی و کشوری برداشته شود و بتوانیم یک‌بار دیگر بدون دلواپسی به گوشه‌وکنار ایران و جهان سفر کنیم. اصلا نمی‌خواهد راه دور برویم، همین که یک‌بار دیگر بتوانیم موقع خوشحالی و غم، یکدیگر را در آغوش بکشیم و در غم و شادی هم سهیم شویم، برایمان کافی است.

باورش سخت است، اما در همین مدت کم‌به‌کرون‌ها هم عادت کرده‌ایم و زندگی به این شیوه، با تمام قانون‌های عجیب‌وغریبش دارد برایمان تکراری می‌شود. حالا انگار ماسک هم یکی از اعضای صورت‌مان شده است و بدون ماسک بیرون رفتن، دست‌کمی از غور بودن ندارد! شستن مداوم دست‌ها و ضدعفونی کردن‌های بی‌دری هم عادت‌مان شده است. دیگر باور اینکه کالایی را از مغازه بگیریم و بدون شستن و شویدر یخچال بگذاریم، تخلیه است. حتی اینکه راس ۵ شب به خانه برگردیم، هم در عادی می‌شود. رفتارهای پرخطری مثل چراغ خاموش رفتن در

تاریخ‌نگار

وقوع بزرگ‌ترین سانحه رسانه‌های ایران



رضا سلیمان نوری

اهالی خبر از ابتدای چاپ کاغذ اخبار میرز صالح شیرازی تاکنون، پستی‌وبلندی‌های زیادی را به چشم دیده‌اند و روزهای سخت بسیاری را پشت‌سر گذاشته‌اند. یکی از این روزهای سخت، ۱۳۸۴ خورشیدی بود. روزی که حدود ساعت ۱۲ آن، تعدادی از خبرنگاران رسانه‌های مکتوب و تصویری در فرودگاه مهرآباد تهران، سوار یک هواپیمای باری-تظا‌می از نوع سی-۱۳۰ شدند تا ساعتی بعد در بندرعباس پیاده شوند و سپس از آنجا به چابهار منتقل شوند که در زمانیم نظامی عاشقان ولایت را پوشش خبری دهند. پروازی که البته هیچ‌گاه به بندرعباس نرسید و فقط دقایقی بعد از آغاز به پایان رسید تا نه تنها طومار زندگی ۹۴ مسافر آن که شامل خبرنگاران، تعدادی از مسئولان ارتش و کادر پروازی بود در هم پیچیده شود، بلکه ۳۴ نفر از مردمی هم که هیچ ارتباطی با پرواز هواپیما نداشتند، به‌دلیل برخورد بقایای آن با محل زندگی شان، قربانی شوند و البته ۱۲ نفر هم زخم‌های متعددی از بلوک‌های اطراف شکسته و دیوار طبقه اول این بزرگ‌ترین حادثه رسانه‌ای ایران ثبت کند. تلفات ساکنان مجتمع ساختمانی بیش از هر چیز به‌دلیل انفجار ذخیره سوخت هواپیما در هنگام برخورد و انفجار گاز شهری بود. به گفته شاهدان عینی، بلافاصله پس از سقوط هواپیما به زمین، صدای مهیب انفجار به گوش رسید و آتشی وسیع حلقه حادثه را فراگرفت؛ به شکلی که به‌دنبال آن شیشه‌های تعدادی از بلوک‌های اطراف شکسته و دیوار طبقه اول بلوک ۵۲ شهرک توحید بر اثر برخورد هواپیما تخریب شد و آتش از طبقات زیرین ساختمان مسکونی مذکور به طبقات فوقانی سرایت کرد و شعله‌های حریق و دود از طبقات مختلف مشاهده شد. این وضعیت در شرایطی ادامه یافت که مهار آتش، ساعت‌ها به طول انجامید. نقص فنی در هواپیمای سی-۱۳۰ پس از گذشت دقیقه‌ای از پرواز، رخ داده بود که در آن لحظه هواپیما در اواسط مسیر تهران-قم قرار داشت و اگر اصرار مرکز کنترل پرواز و مسئولان حاضر در فرودگاه مهرآباد نبود، این هواپیما امکان فرود بدون سانحه در سه نقطه فرودگاه امام، اتوبان قم-تهران و بیابان‌های جنوب‌غربی تهران را داشت. عباس افشار، پدر یکی از خبرنگارانی که در این حادثه جانش را از دست داد، ۱۳ سال پس از سقوط هواپیما گفت: «پرونده آن به نتیجه نرسیده» و او هنوز پیگیری این پرونده است. افشار گفته است: «می‌خواهم بدانم آن کسی که از نقص فنی هواپیما اطلاع داشت، چرا اجازه پرواز را صادر کرد. تا جایی که اطلاع دارم، من تنها کسی هستم که دیه فرزندم را نگرتم تا پیگیری پرونده باشم. طبق چک‌لیستی که من از آن خبر دارم، این هواپیما از دو ماه قبل از سقوط بیش از ۱۰۰ مورد نقص فنی با فرود اضطراری داشته است. حالا سوال این است که چرا به چنین هواپیمایی اجازه پرواز دادند؟ من اشتباه کردم، آن موقع باید از مسئولی که بدون توجه به ایمنی پرواز اجازه مأموریت به خبرنگاران را هم داده بود، شکایت می‌کردم که این کار را انجام ندادم».

بر اساس آمار رسمی اعلام‌شده از سوی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و خانه عکاسان ایران، ۴۰ نفر از قربانیان این حادثه، اهالی رسانه بودند و بر همین اساس، سانحه سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ ارتش را باید بزرگ‌ترین سانحه رسانه‌ای ایران لقب داد.

زین‌تقدیر

علیرضا حیدری | مدیرس ویراستاری

در سال‌های اخیر به دلیل استفاده نادرست رسانه‌ها، مصدر «داشتن» گاه در جای خود به کار نمی‌رود و به دلیل گرتنه‌برداری و ترجمه لفظ به لفظ زبان در رادیو و تلویزیون و کتاب و مطبوعات، وارد زبان مردم هم شده است.

● به جای: بیان داشت
● به جای: اظهار داشت

✓ بگویم: بیان کرد
✓ بگویم: اظهار کرد

#زین-تقد-پارسی

رطوبت هوا: ۷۰٪

دیرگرفتاری طبیعی و قابل درک است؛ رفتاری بسیار عادی برای فرار از گرمی ۲۰۰ هزار تومانی.

حادثه روز

بنده با خوش اخلاقی به مقام روزه‌گیر شب‌زنده‌دار می‌رسد.

اذان ظهر ۱۱:۲۳

غروب آفتاب ۱۶:۱۵

اذان مغرب ۱۶:۳۶

نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸

اذان صبح فردا ۴:۵۹

طلوع آفتاب فردا ۶:۲۹

روزنامه شهرامید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

صفحه ۸۱ صفحه ۴۰۴ صفحه ورزشی

صفحه زندگی ۸۰ صفحه شهرامحله

شماره ۲۲۶۶ | ۱۰۰۰ تومان

میتوان نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahrir

دست‌برآمده‌های نبرداری

کوشش‌های نیروهای مسلح

روایتی از نبرد در جبهه غربی

مبارزات نیروهای امنیتی و انتظامی

- روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع‌رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهید، نیش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵
- نمابر: ۳۷۲۳۳۳۱
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۳۱
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



پاپا نوئل؛ عروسک‌گردان سرمایه‌داری

است. کسانی که با تشویق به خرید تعدادی وسیله که با تبلیغات فراوان به خورد خلق... می‌دادند، برای خودشان بازار درست می‌کردند و از این راه سودهای هنگفت به جیب می‌زدند. این قسم کالاها با کم شدن درآمد و وضع اقتصادی ناپور و ناجور دنیا از سبد خرید خانواده‌ها حذف شد. این موضوع دست‌مایه این اثر «آنجل بولیگان»، کارتون‌نویست معروف مکزیک، قرار گرفته است. این روزها، روزهای پایانی سال مسیحیان و نزدیک به کرسمس است. عیدی که بنا بر رسمی آشنا، در آن شخصی به اسم بابائونل می‌آید و با خودش کمتری داشته‌اند، هم کمک می‌کردند تا چیزهایی بخرد که کمتر به کارشان می‌آمد. ولی امروز، به‌علت همین مرض منحوس و هزار علت دیگری که آن شوروشوق قبلی از بازار و دل و جیب همه مردم دنیا رخت بسته و رفته است. ولی کرونا در کنار گرفتاری‌هایی که درست کرده، چند چیز خوب هم وارد سبک زندگی آدم‌ها کرده است. اولین و مهم‌ترین‌شان همین به‌حاشیه‌راندن مصرف‌گرایی و در نتیجه حفظ موقتی منابع اولیه یا همان طبیعت است. موضوعی که بیشتر از همه، صاحبان ثروت و سرمایه‌ر متضرر کرده

گاهی هم به خودت سر بزنی!

غلامرضا بنی اسدی

با همه خوبیم اما یادمان رفته است از «مهم‌ترین» فرد زندگی مان. به همه سرمی‌زنیم، احوال می‌پرسیم، دستی می‌فشاریم، به‌لبخند، انرژی مثبت، تولیدو اهدا می‌کنیم اما حواسمان نیست به «مهم‌ترین» فرد زندگی مان. برای همه وقت می‌گذاریم. اصلا خود را وقف عام می‌کنیم اما از آن «مهم‌ترین» یادمان می‌رود. نمی‌گوییم به دیگران پرداختن، کار خوبی نیست که بسیار هم خوب است و خوبی آفرین. به دیگران سرزدن و دست‌گرفتن و انرژی دادن، خیلی هم زیباست و زیبایی آفرین. حرفم این است که در کنار توسعه و توزیع مهربانی در جامعه، «مهم‌ترین» فرد زندگی مان را نباید فراموش کنیم. با همین خالی است. حیقم آمدشما این متن را ننویسید. لذا دوباره با هم می‌خوانیم: «حال چشم‌هایت را بگیر و دستی به سر رووی احساست بکش. روبه‌روی آیینه بایست و تمام تنهایی ات را محکم در آغوش بگیر و با صدای بلند به خودت بگو که «تو» تنها دارایی من هستی، بگو که با همه کاستی‌های جسمی و روحی، تورا بی‌پناه و عاشقانه دوست دارم. برای خودت وقت بگذار. با مهربانی دست‌ت را بگیر و به هوای آزادبیر. نگذار احساس تنهایی کنی. نگذار ابرهای سیاه، چشم‌هایت را از یاد بیاورد. مطمئن باش در میان بیش از ۷ میلیارد آدم روی کره زمین، هرگز کسی دل‌سوخته‌تر از تو نیست به تو پیدا نخواهد شد...» پس به خودت توجه کن، خیلی بیشتر از روزهای گذشته. با خودت رفاقت کن برای رفتن به افق‌های تازه موفقیت. خودت را جدی بگیر تا بن بست‌ها بشکنند.

مجله عصر شکر هجده ششت

برای خواندن مجله عصر شهر آرا کد را اسکن کنید

مظلوم‌نمایی نکن، کلک!

به بهانه سخنان تازه مدیر شبکه ۳ درباره عادل فردوسی‌پور

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranevws.ir

روایت روز

همین چند وقت پیش بود که در مراسم جمع‌وجور و مجازی رونمایی از ترجمه کتاب «پیگیر اخبار نباشیم»، در جوار سروش صحت‌نشسته‌بود با همان لحن و ادبیات مختص خودش و خنده‌های گاه‌وبیگاهی که به صورتش می‌نشست، هم کلام صحت‌شد و از ترجمه جدیدش گفت. اتفاقی که یک‌مرتبه دیگر نشان داد فردوسی‌پور همچنان دارد روی همان مداری راه می‌رود که از سال‌ها پیش برای خودش مشخص کرده است. اینکه بدون اداواصول‌های اضافه، کارهایی را انجام می‌دهد که برایش مهم است و شخصا به آن‌ها تمایل دارد. حتی از همان سال‌ها دور و وقتی که به مسابقه هفته‌مقابل منوچهر نودری ایستاد و اسم کامل «پله» را جوری تمام‌وکمال ادا کرد که کمتر کسی بدون اینکه فوت‌بال، عشق و علاقه و هدفش باشد، می‌توانست آن را این‌گونه ادا کند. حالا هم دوباره صحت از فردوسی‌پور است. این مرتبه اما به‌دلیل صحبت‌های علی فروغی، مدیر شبکه ۳. یعنی همان کسی که انگشت اصلی تمام هواداران فردوسی‌پور و نود و دوشنبه‌شب‌های عاری شده از هیجان، به‌سوی او نشانه‌رفته است و اینکه نظر مردم را مخاطبان اصلی تلویزیون هستند، در این بین به کلی نادیده گرفته است. او از دلایل کنار گذاشتن فردوسی‌پور صحبت کرده است و اینکه با اذعان به محبوبیت و تخصص او، مجبور شده‌اند این تصمیم را بگیرند. «درباره ایشون، مهم‌ترین بحث این بود که کار از مدارش داشت خارج می‌شد.» به عبارت دیگر ممکن بود این‌روال خارج شدن از مدار، برای دیگر افراد محبوب هم اتفاق بیفتد و در نتیجه صداوسیما از هم بی‌اشد! صحبت‌هایی که پیش از این هم به‌نوعی در مصاحبه خود با رشیدپور در «حالاخورشید» به آن اشاره کرده بود و اینکه فلسفه کنار گذاشتن برنامه نود، «یک تصویب شورای بود.» و «البتة صحبت‌های دیگری هم کرد. صحبت‌هایی کلی نظیر اینکه: «ناگزیر بودیم این تصمیم گرفته بشود. دیگر نمی‌شد این‌جوری ادامه داد. او مظلوم‌نمایی می‌کند. به او پیشنهاد گزارش فوتبال دادیم اما قبول نکرده است.» صحبت‌های فروغی در

Tweets

فریور خراباتی | طنزنویس @Farivarkharabat

حسین دهباشی | مستندساز @majazestan

چطور می‌تواند موقفیت می‌فروشد، هم معلم زبانید، هم حرفه‌ای سازمانی‌زیند، هم مربی تری‌ارلیکس هستی، هم ترانه‌سرا و عکاس و لایف کوچ و بلاگر هستی؟ چون آل‌پاچینو، بنهون، رونالدو فقط به کار توی عموش نوشتن انجام بدن!

احیا در مرده‌شورخانه

یک غسال با تصحیح خطای پزشکی، جان نوزاد را نجات داد

محمدناصر حق‌خواه

کلیپی کوتاه با زبانی ناآشنا و تصویری غریب، یکی دوروزی است که پشت پلک چشم هر بیننده‌ای را نازک و دهانش را از تعجب باز می‌کند. یک نوزاد دو ماهه اهل آبدانان استان ایلام، پس از اینکه مدتی به‌دلیل نارسایی قلبی مادرزادی در بیمارستانی در شهر ایلام بستری بود، برای چند ساعت در وحیمی پیدا می‌کند و کادر درمان هم نمی‌توانند برای احیای او کاری انجام دهند و سپس رسماً جان‌باخته اعلام می‌شود و پس از صدور گواهی مرگ، به شهر ۱۸۰ کیلومتری ایلام، یعنی شهر آبدانان، فرستاده می‌شود تا در غسالخانه این شهر غسل داده شده، سپس به خاک سپرده شود. تا اینجا همه چیز مثل یک مرگ معمولی است تا اینکه غسال شهر آبدانان در فیلمی که بعد از فیلم اصلی منتشر شد، این‌طور درباره ادامه ماجرا توضیح داد که پس از آوردن کودک به داخل مرده‌شورخانه، او متوجه ضربان خفیف قلب نوزاد می‌شود و به‌جای جاخوردن از این اتفاق و از آنجا که به‌گفته خودش در هلال احمر آموزش‌هایی دیده بود،

شروع به فرایند احیای کودک می‌کند و پس از مدتی قلب کودک به حالت عادی برگشته، او رسماً زنده می‌شود. البته واژه زنده شدن برای چنین اتفاقی، درست نیست و در واقع باید گفت که این کودک زنده بوده اما به احتمال زیاد، خطا یا سهل‌انگاری پزشکی باعث شده است که گواهی فوت به این راحتی صادر شود. معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در این باره گفت: «از صحت موضوع اطلاع ندارم اما چنانچه کسی شماره تماس یا اطلاعاتی از خانواده نوزاد زنده‌شده دارد، اطلاع دهد، زیر قوت این نوزاد به‌دلیل نارسایی مادرزادی بوده است و تلاش می‌کنیم این مشکل رفع شود.» اما این فیلم فقط به‌عنوان یک معجزه یا ویدئویی جذاب در فضای مجازی پخش نشده است. البته بسیاری از کاربران در کامنت‌ها و توئیتهایشان خدا را شکر کرده‌اند و از زنده ماندن یک نوزاد و شادمانی پدر و مادر او ابراز خشنودی کرده‌اند اما بیشتر واکنش‌ها در باره خطای پزشکی احتمالی در این اتفاق بوده است. کاربری نوشته است: «العت به کسانی که بی‌توجه هستند و اجر تمام کسانی که در شرایط کرونا از جوشون گذشتن رو ضایع می‌کنند.» یا دیگری در زیر توئیتهی که یک کاربر دیگر از اتفاق